

بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی اردبیلی از بُعد حماسی

دکتر خدا بخش اسداللهی^۱

غلامرضا ضیائی نیری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

واقعه بزرگ عاشورا مملو از پایمردی‌ها و حماسه‌هایی است که امام حسین علیه السلام و اصحاب بزرگوار آن حضرت، قهرمان آن بودند. بعد حماسی این واقعه، بیشتر از سایر ابعاد جلوه کرده و از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. در مقاله حاضر با نگرش تطبیقی، زمینه‌های حماسی، آیینی و عاشورایی در آثار الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی اردبیلی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انعکاس ارزش‌های آیینی (دینی) و حماسی عاشورا از قبیل پایمردی، ایثار، مقاومت و مبارزه، ایستادگی در برابر بیدادگری اشخاص و حکومت‌های ظالم، ستایش آزادگی و آزادی خواهی، سازش ناپذیری در برابر ظلم، دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران، جهاد،

۱. هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی. kh.asadollahi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی. ghziyai@gmail.com

شهادت و اندیشه‌های انقلابی تشیع با ارائه نمونه‌های تأمل
برانگیز و آموزنده در این آثار ارائه شده است.
کلیدواژه‌ها: الهامی کرمانشاهی، حماسه‌های مذهبی، شعر
عاشورایی، یحیوی اردبیلی.

مقدمه

کشور ایران دارای اقوام متعدد با گویش‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت است که در کنار هم زندگی می‌کنند و لذا باید برای روابط بین اقوام ارزش قائل شد و به شناخت آنها از طریق تحقیق و پژوهش در حوزه تاریخ و ادبیات اقدام کرد. یکی از راه‌های این ارتباط، شناخت، بررسی و مقایسه بین نویسندگان و شاعران اقوام با زبان مختلف است. به وسیله ادبیات به ویژه ادبیات آیینی می‌توان فرهنگ اندیشه‌ها و باورهای دینی و عقیدتی یک قوم را شناخت.

حماسه بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی را شامل می‌شود که در شاهنامه و دیگر آثار تجلی یافته است. همچنین شعر و ادب فارسی و ترکی نیز بیش از هر موضوع دیگری تجلی‌گاه شکوه حماسه عاشورا است. در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون ادبیات عاشورایی، توجه محققان عمدتاً در حوزه مورد بحث شاعران فارسی زبان است و اندک تحقیقاتی نیز در ادبیات عاشورایی ترکی صورت گرفته است. تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه تطبیق این نوع ادبیات در دو حوزه زبان فارسی و ترکی انجام نشده است.

جایگاه «شعر عاشورا» در میان شعر شیعی، همچون نگینی درخشان در حلقه ادبیات مکتبی است. ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادب، یکی از عوامل ماندگاری و پایداری آن نهضت است؛ چرا که قالب تأثیرگذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دل‌ها و عاطفه‌ها از یک سو، و حادثه عاشورا و شخصیت‌های کربلا از سوی دیگر، پیوند زده و احساس‌های شیفتگان را به آن ماجرای خونین و حماسی، وصل کرده است (محدثی، ۱۳۸۴).

شاید به جرأت بتوان گفت که کم‌تر خدای در تاریخ اسلام این همه مورد بحث قرار گرفته است و اهل اندیشه و قلم درباره آن، قلم فرسایی کرده‌اند؛ اما باز از هر که می‌شنویم و هر چه می‌خوانیم حدیث نامکرر است (بیات، ۱۳۸۱). با این همه تحقیقات این چینی



به شناخت ادبیات عاشورایی و منابع با ارزش و معتبر این حوزه و نیز خصایص سبکی شاعران مورد نظر در پژوهش ما، کمک قابل توجهی خواهد کرد.

پیشینه پژوهش

کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های بسیاری در مورد ادبیات آیینی و اشعار عاشورایی فارسی به زیور طبع آراسته شده و تحقیقات بسیار گسترده‌ای در این حوزه به انجام رسیده است اما درباره موضوع پژوهش حاضر، اثر مستقلی در داخل ایران نوشته نشده است. علی‌رغم دیرینگی ادبیات عاشورایی ترکی و داشتن آثار فاخر و بسیار ارزنده در دوره‌های کلاسیک و معاصر. متأسفانه تحقیقات بسیار اندکی در این حوزه صورت گرفته و پیشینه پژوهش در ادبیات عاشورایی آیینی و اشعار عاشورایی ترکی نوپا است. در ذیل به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

حیدری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بازخوانی جلوه‌های مقاومت در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و شعر عاشورایی الهامی»، نشان دادند که آگاهی بخشی اصلی‌ترین عنصر پایداری، نوید پیروزی حق بر باطل و امید به انتقام، ستم‌ستیزی و اعتراض، نکوهش و سرزنش مردم کوفه و حاکمان، رویارویی با ستمکاران، فرهنگ شهادت و پایداری و سرانجام پیروزی حق بر باطل از جلوه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام است که الهامی کرمانشاهی بدان‌ها توجه داشته و بن‌مایه موضوعی شعر خویش کرده است. صفاری (۱۳۹۹) در مقاله «تأملی به دستاوردهای ایثار حسینی در دو شعر عاشورایی از سید عباس شبر و خوشدل تهرانی»، با روش تحلیلی-توصیفی با انتخاب دو قطعه شعر از سید عباس شبر و مرحوم خوشدل تهرانی به بررسی مهم‌ترین ابعاد واقعه عاشورا از دریچه واژگان این دو ادیب پرداخته است. پورزمان (۱۳۹۸) در مقاله «ابعاد حماسی شعر عاشورایی معاصر»، نشان می‌دهد که در شعر عاشورایی گذشته، حماسه به صورت گسترده مورد توجه نبوده است و حال آنکه شاعران عاشورایی معاصر در ابعاد معنایی و واژگانی، بیش از گذشته به این مقوله پرداخته‌اند. همچنین توجه به عناصر حماسی، از عوامل مهم شاخص شدن و ماندگاری شماری از اشعار

عاشورایی معاصر شده است. جهان تیغ (۱۳۹۳) در مقاله «سبک ایدئولوژیک شعر عاشورایی معاصر، مطالعه موردی؛ شعر علی معلم، علی موسوی گرماردی و طاهره صفارزاده»، بیان می‌کند که موسوی گرماردی، شاعری است که بیش از دیگران به هنر شاعری و زیبایی صنایع شعری اش بها داده و نسبت به شاعران دیگر کم‌تر پای بند سنت‌های دینی بوده است. در مقابل طاهره صفارزاده، بسیار محتاطانه از مفاهیم ایدئولوژیک مذهبی استفاده می‌کند و اولویت را بیش از ظاهر و فرم شعر به ایدئولوژی و محتوای شعر می‌دهد. صفاکیش (۱۳۹۱) در مقاله «جستاری در شعر و موسیقی مذهبی و جایگاه تاریخی آن»، بر آن است تا با دستیابی به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی این هنرها و تأثیرات مذهب در آن، به پیشینه تاریخ و هنر این مرز و بوم دست یافته، راهگشای تحقیقات بعدی آنان شود. سیدی و استادی (۱۳۸۸) در مقاله «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه»، با بررسی زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی شعر حماسی - آیینی عاشورایی، دوره شکل‌گیری و تحول آغازین و ساختار آن را تبیین می‌کند و ارزش‌های دینی نهفته در قیام کربلا، همچون استمرار غدیر و ولایت، تولی و تبری، جهاد و شهادت و انتظار را منعکس می‌سازد. در ادامه، شیوه‌های تبلیغ و ترویج آرمان‌های انسانی و اسلامی همانند ظلم ستیزی، عدالت محوری و اندیشه‌های انقلابی تشیع را مطرح می‌کند. مقاله حاضر، در موضوعات یاد شده، نمونه‌های تأمل برانگیز و آموزنده را از گستره ادبیات عربی ارائه می‌دهد و در پایان به بررسی پیامدهای ارزشی و ادبی این شعر می‌پردازد.

جایگاه شعر عاشورایی در گستره ادبیات فارسی و ترکی

ادبیات شیعه به عنوان یک پدیده تاریخی تأثیرگذار قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست. گواه این حقیقت آشکار، شواهد و قراین بسیاری از کتاب‌های تاریخ و تراجم و اعلام تا دیوان‌های شعر و قطعات ادبی و نیز گروه بی‌شمار شاعران توانا است. شیعه نیز با برخورداری از جایگاه ممتاز و استوار در ادبیات فارسی و ترکی و آفرینش آثار ماندگار، جهت‌گیری هدفمند اندیشه‌ها و باورها، جریانی پویا و پر شور پدید آورده است. چگونگی

شکل‌گیری این جریان، پیوندی ناگسستنی با تغییر و تحولات تاریخ اسلام و شیعه دارد. بی‌گمان پس از قیام عاشورا، شعر شیعه در مسیر دیگری گام برداشت و رثا، شکل حماسی آیینی به خود به خود گرفت و شعر عاشورایی تجلی کامل و زیباترین جلوه‌های هنری و ادبی آن شد. بی‌شک حماسه عاشورا و قیام سیدالشهدا علیه السلام، مهم‌ترین رخدادی بوده که باعث تحول مضمونی و معنایی در ادبیات فارسی و عربی شده است (صالحی و سهیلی گیلان، ۱۳۹۵).

شعر حماسی عاشورایی؛ دوره شکل‌گیری و تحول

بررسی تصاویر هنری در شعر شاعران از زمان‌های قدیم تا به حال با روش‌های متفاوتی شکل گرفته است. در ادبیات قدیم صور خیال، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه عناصر تصویرساز شعر بوده‌اند. در نقد معاصره جز تصاویر شعری گذشته بررسی عناصری مانند گفت و گو، حرکت و رنگ نیز وارد حوزه نقد تصویر شده است. از طرفی شعر عاشورایی به عنوان بخشی از ادبیات متعهد ملت‌های مسلمان به خصوص شیعه در طی چند قرن تلاش کرده تا با بیانی تأثیرگذار به ترسیم حوادث و آرمان‌های این واقعه عظیم بپردازد (فرید و ملازاده، ۱۳۹۶).

امر به معروف و نهی از منکر، آزادگی ایثار و فداکاری بیداری حق طلبی و دفاع از مظلوم؛ شعارهای امام حسین علیه السلام بود که در دوره‌های بعد در برابر ستمکاران و منحرفان از دین استفاده می‌شد. این نکته را نیز باید افزود که امام حسین علیه السلام مشروعیت قیام برضد ظالمان را به لحاظ دینی تأیید کرد و از این نظر نیز قیام ایشان می‌توانست الگویی مناسب برای پیروی باشد. در دوره‌های بعد شاعران شیعه تحت تأثیر این رویکرد امام علیه السلام و اصحابش به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و بدین گونه دفاع از حریم ولایت و مقدسات اسلامی، که به نحوی کامل در بیان امام حسین علیه السلام تجلی یافته بود به شعر شاعران شیعه مانند الهامی کرمانشاهی و یحییوی اردبیلی راه یافت.

در دوران حکومت صفویه، تشیع مذهب رسمی ایران شد و نظم و نثر مذهبی به زبان

ترکی پیشرفت کرد. فرمانروایان این سلسله که نسب خود را به امام کاظم علیه السلام می‌رساندند، به مدح و ستایش خود توجهی نداشتند و به شاعران انعام و صله می‌دادند که بزرگان دین و ائمه اطهار علیهم السلام را ستایش کنند. بنابراین شعرا به جای مدح شاهان صفوی به نعت انبیا و اولیا پرداختند و مدح و مرثیه آل رسول صلی الله علیه و آله را موضوع قرار دادند و مورد تشویق و ترغیب فرمانروایان صفوی قرار گرفتند.

حادثه عاشورا دارای ابعاد ارزشی و قرائت‌های گوناگونی است. در روزگار قاجار با نگاه بازگشتی به ادبیات و رونق گرفتن قرائت حماسی و عرفانی از عاشورا قالب قصیده و مثنوی در کنار غزل و سایر قالب‌ها رونق گرفت و با احیای رسم ملک الشعری، برخی از شاعران به شعر حماسی، تاریخی و مذهبی روی آوردند. با احیای قالب‌های مثنوی، قصیده و منخمس در اشعار ترکی و توجه به لحن حماسی و رجزگونه باعث شد شعر عاشورا لحنی فاخر و حماسی به خود گیرد. یکی از منظومه‌های حماسی - مذهبی و در واقع آخرین آنها در دوره قاجار، شاهد نامه (چهارخیابان فردوس) سروده میرزا احمد بن رستم متخلص به الهامی کرمانشاهی است. وی با تقلید از فردوسی دست به خلق یکی از زیباترین حماسه‌های مذهبی زد.

عباسقلی یحیوی اردبیلی ملقب به تاج شعرا از بزرگ‌ترین شاعران حماسه‌سرای عاشورایی آذربایجان است. تخلص ایشان در شعر «احقر» و «یحیوی» است. بساط کربلا، اسرار عاشورا، پرچم عزا، آخرین آثار یحیوی، یادگار یحیوی، بهارستان یحیوی و نگارستان یحیوی از آثار تامل برانگیز این شاعر است. یحیوی روح حماسی فردوسی و تصویرگری نظامی را در قالب عاشورایی به تصویر کشید و بزم و رزم را به هم آمیخت.

واقعه عاشورا از تأثیرگذارترین اتفاقات مذهبی است که ایرانیان مسلمان شده را متأثر کرد. با روی کار آمدن حکومت قاجار و اهیت دادن به تعزیه و نواختن شاعران مذهبی، این جریان ادامه پیدا می‌کند و منظومه‌های عاشورایی تأثیرگذاری در این دوره سروده می‌شود. بعد از قاجار به دلیل سیاست‌های غرض‌ورزانه حکومت پهلوی، سرودن شعر آئینی و عاشورایی از رونق افتاد. با پیروزی انقلاب اسلامی، جریان شعر عاشورایی در ایران در مسیر رشد و تکامل قرار گرفت و آثار ارزشمند و فاخری در این زمینه خلق شد.

این پژوهش تلاشی برای بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی از دید حماسی است.

یافته‌های پژوهش

«حماسه واژه‌ای عربی است که به معنای شدت، صلابت، شجاعت، دلاوری، با نشاط بودن، غیرت به خرج دادن و دلیری می‌آید» (فرهنگ معین). و در اصطلاح نوشته‌اند: «حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد بنحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد. این گونه شعرداستانی منظومه بزرگ و چند سویه است که آمیزه اسطوره و تاریخ و افسانه و فولکلور است و غالباً در مرحله نخستین یا دوران پیدایش خود، از داستان - سروده‌ها و روایت‌های شفاهی پراکنده در ستایش پهلوانان و یادکردهای قومی و نبردهای قومی و... آغاز می‌شود، و در مرحله پایانی یا دوران تدوین و تنظیم هنری خود، به صورت منظومه‌ای یگانه، با مشخصات ملی، در می‌آید» (صفا، ۱۳۹۰: ۲۴).

«حماسه‌ها به لحاظ اهداف و آرمان‌هایی که دارند گاهی مقدس هستند و گاهی نامقدس. حماسه مقدس آن است که به عدالت، حقیقت، انسانیت و کمال جامعه بشری می‌اندیشد و محدود به خواسته‌ها و خواهش‌های نفسانی شخص حماسه‌ساز یا گروه و جمع خاص وابسته به او نمی‌شود. اما آرمان حماسه نامقدس کشورگشایی، دنیا طلبی، رسیدن به حطام پست مادی، به دست آوردن قدرت ظاهری و خلاصه اشباع روحیه درنده‌خویی و ارضای خوی جاه‌طلبی شخص حماسه‌ساز است، گرچه اجمالاً منفعتی برای دیگران هم دارد. ولی در اندیشه اصلاح نسل بشر و جامعه انسانی نیست» (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۸۸).

در پهنه‌ای که حکیم ابوالقاسم فردوسی به میدان آمده است، پهلوانان صاحب نام در عرصه سخن همه در برابر او سپرانداخته و تاکنون که ده قرن از روزگار او می‌گذرد، همچنان یکه‌تاز بلامنازع در عرصه حماسه سرایی است و در قله اوج قرار دارد و شاعری را توان برابری با او نیست، اما اگر قرار شود به شاعران آئینی پارسی زبان سمت و منصبی را

بدهند، الهامی در آن میانه نام و جایگاه فردوسی را از آن خود می‌کند، چرا که شباهت‌های فراوان از جهت فرم و زبان شاهنامه دارد. الهامی کرمانشاهی به طریق دیگری راه عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت علیهم‌السلام و رضای پروردگار متعال را پیموده است. او در منظومه «چهارخیابان باغ فردوس» همان «شاهنامه» راوی وقایع از حرکت تا شهادت امام علیه‌السلام و یاران او، اسارت خاندان و قافله سالاری حضرت زینب کبری علیها‌السلام تا برگشت به مدینه و قیام مختار به صورت حماسی و در بحر متقارب و وزن شاهنامه فردوسی) است.

منظومه‌های حماسی همچون شاهنامه، معمولاً به جهت داستان وارگی، منظومه‌های بلندی را شامل می‌شوند که تعداد ابیات آنها گاه بسیار طولانی است. در نوحه معمولاً با اشعار طویل روبه‌رو نیستیم. لیکن به نظر نگارنده می‌توان هر کدام از شعرهای کوتاه یک مجموعه را در قالب یک منظومه حماسی به جهت دارا بودن مختصات حماسی در نظر گرفت، چرا که معمولاً عناصر سازنده حماسه در این گونه اشعار موجود است. تاج الشعرا عباسقلی یحیوی، یکی از افراد برجسته ژانر ادبی «حماسه» در تاریخ نوحه پردازی آذربایجان است.

شعر زیر که اشاره به حسین علیه‌السلام به عنوان دوست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چراغ راه امامت، عامل سعادت بشر و طریقی برای هدایت بشر دارد، در فضایل حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام، از کتاب *اسرار عاشورا* بر وزن فعولن فعولن فعل^۱ (بحر متقارب) ساخته شده است.

حبیب رسالت حسین دور حسین سراج امامت حسین دور حسین
دلیل سعادت حسین دور حسین صراط هدایت حسین دور حسین
(یحیوی، ۱۳۸۶: ۴۳)

یا رجز مخصوص روز عاشورا با مطلع زیر که بسیار مشهور است و از یک وزن سریع و کوبنده برخوردار است و اشاره به عمق مصیبت و فاجعه‌ای دارد که در صحرای کربلا بر سر حسین و خاندانش آمده است:

۱. وزن اصلی بسیاری از حماسه‌های مشهور و ملی.

صحرای کربلا ده طوفانندی یا محمد گوندر کفن حسینہ عریانندی یا محمد
(یحیوی، ۱۳۸۶: ۳۱۹)

معمولا حماسه‌ها دراماتیک و نمایشی هستند. در این نمایش‌ها تصویر دقیق صحنه جنگ، چهره جنگجویان و ابزار آلات جنگی نشان داده می‌شود. قهرمان و ضدقهرمان هر کدام به فراخور موقعیت خود، حماسه سرایی یا رجزخوانی می‌کند. حوادثی که پشت سرهم اتفاق می‌افتد داستان را پیش می‌برد و حتی کوچک‌ترین حرکات کاراکترها به نمایش در می‌آید. شیوه عمل و عکس‌العمل مبارزان در صحنه نبرد با جزئیاتش توسط راوی بیان می‌شود. یحیوی اردبیلی و الهامی کرمانشاهی با آگاهی از شیوه پردازش حماسه‌ها، واقعه عاشورا را به نحو شایسته‌ای بازسازی می‌کنند و مخاطب خود را هنگام خوانش در صحنه می‌بینند و صدای شیهه اسب‌ها و چکاچک شمشیرها و پوشش جنگجویان را می‌شنوند و می‌بینند. برای نمونه عباسقلی یحیوی در کتاب *اسرار عاشورا* (۱۳۸۶: ۱۱۰) در شعر «مبارزات حضرت حسین علیه السلام با لشکر اشقیاء» می‌گوید:

سواره تیغ برق افشان الینده فکری دعوادور
مرصع دور لجامی، مرکبون زینی مطلاًدور
قیزیل جوشن وارا گنینده، جلال و شانی اعلادور
حسین بن علی روح نبی دلبند زهرادور
بووصفیلن گلوب میدان جنگه حیف تنها دور
سلام جنگینون هر قطعه سی میراث سلطانی
رسول اکرمون ذراعاه و دستار شایانی
جناب حمزه نون گوهر نشان نه قبه قلخانی
علی المرتضی نون ذوالفقار تیزو برانی
طلا بفت و جواهرکوب و یک قبضه دو پهنادور

این ابیات اشاره بر جلال و جبروت امام حسین علیه السلام دارد. از شمشیر مبارک حضرت تا مرکب و جوشن عالی شان که با یاران اندکی به میدان جنگ آمده است. سلاح جنگی امام حسین علیه السلام، میراث گران بها و ارزشمندی از اجداد خویش است، دستار رسول

اکرم عَلَيْهِ السَّلَام در سر، قلخان حمزه سیدالشهدا در یک دست و ذوالفقار تیزویران حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را در دست دیگر دارد. در حقیقت این شعریکی از تکان دهنده ترین و حماسی ترین اشعار تاج الشعرا است که نمودهای واقعی حماسه را در آن می توان مشاهده کرد. در ادامه همین شعر، زمانی که لشکریان یزید توانایی جنگ تن به تن با امام عَلَيْهِ السَّلَام را نداشتند، عمر سعد دستور حمله گروهی صادر می کند:

گوروب سعد اوغلو تا پماز قصدی بو ترتیبیلن انجام

وئروب فرمان یئریندن اوینادی نیروی خون آشام

قشون واحدلری جنگ وجود واحد اعزام

او غیر عادلانه حمله که اونلار ائدوب اقدام

نه قانون عرب طرز عجم نه رسم ترسador

نتجه پوهره وئورویای فصلی پشه شهدناپ اوسته

اونون مثلینده لشکر حمله گتدی اول جناب اوسته

نتجه بیر خشمگین شهباز اوچار فوج غراب اوسته

اونون مثلینده حضرت زینیدن قالخوب رکاب اوسته

ملخده ن موریده ن زنبوریده ن شیریه نه پروادور

(یحییوی، ۱۳۸۶: ۱۱۴، ۱۱۵)

در اینجا شاعر اشاره به عدم توانایی در رویارویی لشکریان عمر سعد به صورت انفرادی در برابر امام عَلَيْهِ السَّلَام را دارد و در ادامه فرمان حمله گروهی برای مقابله با امام عَلَيْهِ السَّلَام صادر می شود که این نوع جنگ در هیچ یک از قوانین عرب، عجم و مسیحیان وجود نداشت.

الهامی کرمانشاهی (۱۳۸۹: ۴۵) در جریان حمله دوم پسر شیر کردگار بر آن گروه

روبه کردار می گوید:

نیامد چو دیگر کسی رزمجوی شهنشه به قلب سپر کرد روی

دگر باره شور قیامت برخاست غوالحذر از سپه گشت، راست

بدیشان زهر جوهر ذوالفقار عیان شد یکی دوزخی شعله بار

سرو خود مردان پرخاشجوی به زیرسم باره غلطان چو گوی
 ز بس ریخت بر روی هم کشته‌ها زمین گشت از کشته‌ها، پشته‌ها
 چنان گرد بگرفت روی هوا که کردی ره گوش را گم، نوا
 تن جنگیان زیر رخت نبرد بلرزید چون شاخ از باد سرد

شاعر در این شعر از آرایه اغراق بهره گرفته است و اشاره به خاک و خون کشیده شدن لشکریان دشمن دارد. الهی کرمانشاهی (۱۳۸۹: ۱۷۰) در خیابان دوم (شاهدنامه) در ستایش حضرت علی اکبر علیه السلام اشعار زیر را می‌سراید و او را جوان نوگلی می‌انگارد که در عقل، عمل، قدرت و شجاعت نظیری ندارد و به جهت خلق، خوی و منطق شبیه‌ترین فرد به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است:

هنوزش نرسیده بنفشه زگل به دانش قرین بود با عقل کل
 به هجده درون سال آن بی همال ولی آدمش کودکی خرد سال
 چو فرزند استاد جبریل بود دلش آگه از راز تنزیل بود
 به خلق و به خلق و به منطق، رسول به نیروی بازو چوشوی بتول
 شه کربلا را بدان نامدار ز جد و پدر بهترین یادگار
 چو کردی دلش آرزوی نیا از آن چهره می‌دید روی نیا
 که را نیز، ز اصحاب شاه حجاز به دیدار پیغمبری بد نیاز
 به دیدار شهزاده بشتافتی ز رخسار او کلام دل یافتی
 خدایی که هر نیک و بد آفرید به جز نیکویی در خوروی ندید
 رخس مظهر حسن لاریب بود سرپاش عاری ز هر عیب بود
 چو از غیر حق بد سراپا تهی خدایش ببخشید فرّ بهی
 چو کنه پرستش خدایی بود علی اکبر الله اکبر شود...
 بهشتی برین آیتی از رخس روان کوثر از شکرین پاسخش

عباسقلی یحیوی (۱۳۹۵: ۳۳۹-۳۴۰) نیز در ستایش و شجاعت حضرت علی

اکبر علیه السلام چنین می‌سراید:

ملکوت اهلی دی مهمان بشرستانه گلیب
 یا ملک شکل بشرده عربستانه گلیب
 بشرکیف بشر اوغلی خرامانه گلیب
 بولطافتده جوان رزمه دلیرانه گلیب
 نیه لیلا قویوب آیا اونی میدانه گلیب
 نه بشر دور نه ملک، نوریدی ظلمات اوسته
 خلقتا روحیدی سیرائله بیراموات اوسته
 صورتا جسمیدی نه روحیدی مرآت اوسته
 سحر اعدانی شکست ائتمگه مردانه گلیب
 بوملک زاده که سرعتله ائدور طی نه حاج
 فکری وار فرعی آتوب ائلیه اصله معراج
 کئچه سرحد فنا ملک بقاده قویا تاج
 در اینجا شاعربه وصف کمال و جمال حضرت علی اکبر علیه السلام می پردازد. او را جوانی از
 جنس فرشتگان می داند که از عالم ملکوت به عربستان آمده و با تمام جوانی، لطافت و
 نور وجودی اش، بسیار دلیرانه برای پیکار و دفاع از پدر آمده است.

الهی کرمانشاهی از گفتگوی بکرو عمر درباره حضرت علی اکبر علیه السلام سخن می گوید که
 بکر سعی بر تحقیق و کوچک شمردن آن حضرت داشت:

چوبکر پلید از عمر این شنفت	بر آشفت با دیو دژخیم گفت
که تا چند ای مرد حیلت سگال	ستایش کنی از یکی خردسال
جوانی نوآموز و رزم آورست	نه خود کوه خارا و شیرنرست
چو آمد، خروشید و گفت ای جوان	یکی سوی من بازگردان عنان
که ایدون براندازمت از سمند	بگرید به تو مادر مستمند

عباسقلی یحیی (۱۳۹۵: ۳۳۹-۳۴۰)

در مورد نبرد حضرت علی اکبر علیه السلام با بکر بن غانم با اشاره به شجاعت و رشادت

حضرت آورده است:

گوردی سعد اوغلی اولوب طالع منحوسی زبون
بکرسرکرده ی بیرهنگیدی دارای فنون
اونی مامور قتال ائتدی او بد طینت و دون
گرچه ذیفتیدی بورزمیده نقصی وار اونون
درس جنگ آلماقیچون طفل دبستانه گلوب
بیرقوی پیکرات اوستونده او داغ پارچاسی تک
تیتریور پنجه سی آلتیندا آتون گاو و سمک
قاباغیندا چکیلور فرّو شکوهیله یدک

طبل و شیپور سسیندن دوتولور گوش فلک
شاعر در این شعر به بکر که یکی از سرکردگان و کار بلد جنگ در لشکر اشقیا است و
عمر سعد او را مامور قتل علی اکبر علیه السلام می کند، اشاره دارد و جلال و شکوه این جنگ
سرنوشت ساز را به تصویر می کشد. مبارزات بکر بن غانم با حضرت علی اکبر علیه السلام و کشته
شدن او به دست حضرت از داستان های شنیدنی الهامی کرمانشاهی (۱۳۸۹: ۱۷۰-
۱۷۲) نیز هست:

در آن روز در خیل کوفی سپاه یکی بد گهر مرد بد رزمخواه
ز چنگال او بوی خون آمدی که هر شیر نر زوز بون آمدی
چو گشتی به میدان کین رهسپر ز آهن دو جوشن فکندی به بر
که خود بکر بن غانمش نام بود ز خون دلیران می آشام بود....

حضرت علی اکبر علیه السلام در میدان نبرد، ده ها نفر از اشقیا را به دوزخ واصل می کند.
سرانجام عمر سعد، بکر بن غانم را برای نبرد با حضرت فرامی خواند. عمر از دلاوری و
رشادت علی اکبر علیه السلام سخن می گوید و بکر عصبانی شده و به سوی رزمگاه می رود:
عمر خویشتن سوی اورفت و گفت که ای با هنرمندی انباز و جفت

جوانی به میدان رزم آمده
 بسی پردلان را به شمشیرخست
 چوطارق دلیری شد از وی تباه
 دوپور و برادرش را نیز کشت
 زبیمش سپه زهره را باختند
 زخیمه در آنسوی دشت نبرد
 مگر آوری آب رفته به جوی
 بکر در پاسخ به عمر سعد چنین گفت:

چو بکر پلید از عمر این شنف
 که تا چند ای مرد حیلت سگال
 من ار شیر باشد بهم بشکنم
 سوی پهنه شد با رخی قیرگون
 چو آمد، خروشید و گفت این جوان
 که ایدون بر اندازمت از سمند
 بر آشفست و با دیو دژخیم گفت
 ستاش کنی از یکی خردسال؟
 و گر کوه باشد زجا برکنم
 چو دیوی که آید ز دوزخ برون
 یکی سوی من بازگردان عنان
 بگرید به تو مادر مستمند

در شاهنامه الهامی کرمانشاهی و در ادامه همین نبرد، آمده است که امام حسین علیه السلام زمانی که مشاهده می‌کند برای جنگ با فرزند برومندش، فردی قوی و کارآزموده به میدان آمده، به اهل خیام دستور می‌دهد که در این کارزار سخت، برای علی اکبر علیه السلام دعا کنند.

چو شه دیده بگماشت زی کارزار
 بدید آن پرویال گبر سوار
 بترسید از وی به پور جوان
 روان شد ز خرگاه، زی بانوان
 یکی تیره دل مرد ناپاکخوی
 به رزم جوان من آورد روی
 که داندش اندر صف کارزار
 برابر به میدان جنگی هزار
 من ایدون بخوام زیزدان به درد
 که گردد علی چیره برهم نبرد
 روان از مژه اشک خونین کنید
 همه بردعای من آمین کنید

در همین زمینه تاج الشعرا یحییوی سروده است:

گوردی اوضاعی خطرناکدو شاه شهدا
دئدی لیلایه که ای هاجر صحرای کربلا
گئت اوتور خیمه ده اسماعیلوی ائله دعا
تیغ برانیلله میداندا بدون پروا
اکبرون جنگینه بیرظالم فتانه گلوب
زلفینی آچدی خانم ائله دی آغاز سخن
ای خلیله شرر آتشی گلزار ائلین
هاجره اوغلی ذبیح اللهی سالم یتورن
عزت و شوکتیله یوسفی یعقوبه وئرن
درگه رحمتوه لیلی ذیلانه گلوب
آند وئره م سنی یارب آچیلان زلفلریمه
ابرنیسان کیمی اشکیله دولان گوزلریمه
گوز یا شیلا اولان آلوده قرا معجریمه
حافظ اول یتیمیه تا صدمه علی اکبریمه
که گوروم خیمه لره سالم او فرزانه گلوب
افتراق در دعا در شعر دو شاعر، قابل تأمل است. در شعر الهامی، دعا کننده برای
سلامتی و پیروزی علی اکبر علیه السلام، شخص پدر (امام حسین علیه السلام) و در شعر یحیی با دستور
امام علیه السلام بر عهده مادر است. الهامی کرمانشاهی (۱۳۸۹: ۱۷۲) نتیجه جنگ تن به تن
حضرت علی اکبر علیه السلام با بکر را این گونه آورده است:

وز آن سوی سرو گلستان دین	فروزان چراغ شبستان دین
خروشید بردشمن نابکار	که مانا سرآمد تورا روزگار
که این سان به میدان دلیر آمدی	به آورده کوشنده چیر آمدی
خروشید اهریمن از کین چوتیغ	بر آمیخت برفرق او دست و تیغ
بیچید و تیغ از کفش دور کرد	بد اختر بیچید بر خود ز درد
سبک نوجوان تیغ خود برکشید	بزد بر کمر بند خصم پلید

بدانسان که یکبارہ دو نیمہ گشت یکی نیمش افتاد بر روی دشت
 دگر نیم بر پشت زین هیون همی رفت و از وی همی ریخت خون
 برون رفت باد غرور از سرش سوی دوزخ ابلیس شد رهبرش ...
 شاعر صحنہ جنگ و چگونگی پیروزی و غلبہ بر بکر را بہ تصویر کشید و نشان داد کہ
 چگونہ حضرت علی اکبر جوان بر بکر و لشکریان انبوه وی غلبہ کرد و وی را بہ دوزخ
 فرستاد. پایان ماجرا را یحیوی (۱۳۹۵: ۳۴۲) اینگونہ بہ نظم در آورده است:

آنا مشغول دعا دور بالا مشغول ستیز
 باخانوں گوزلرینه خیره سالور حربہ ی تیز
 گوستریب غیظ تمامیلہ آتا بیر مهمیز
 آتی اویناتدی یثریده ن او حریف خونریز
 یثددی دفعه دولانوب عرصه نی جولانہ گلوب
 چرخ وئردی ائده غفلتده او آهونی شکار
 قوپدی توز یثرده ن هوانی بورودی گرد وغبار
 نہ علی اکبری گوردیلہ نہ بکری حصار
 دئدیلر حیف او جواندان قلیجا اولدی دچار
 او هیاهوده او طوفاندا دوتوب توز فلکی
 جوشن بکری گوروب زیر بغلده شبکی
 یادگار اسد الله الیجی شیرتکی
 بیر قلیج ووردی اونون قولتوقی آلتدان چپکی
 قولی اوستونده باشی قوش کیمی طیرانہ گلوب
 اوجوان مدنی اشبه ناس نبوی
 دست پرورده عباس رشید علوی
 ئولدوروب هنگ رئیسین ائله دی پیشروی
 تحفه سی الده سربی تن مرداموی



جایزه الماق اوچون محضر سلطانه گلوب ...

شاعر صحنه رزم و غلبه علی اکبر علیه السلام بر بکر را به تصویر می کشد و نشان داد که نواده خاندان نبوت چگونه شاخ بکر ملعون و سپاهیان را به خاک می مالد و در حالی که سر بریده بکر را به عنوان تحفه در دست گرفته، پیش پدر جهت گرفتن جایزه برمی گردد.

رجزهای عاشورایی

بدون تردید نخستین نشانه های شعر حماسی را می توان در رجزهای عاشورایی جستجو کرد. پرشورترین این رجزها که بر زبان اباعبدالله الحسین علیه السلام و نزدیکان و یاران باوفایش جاری شد، استقبال از شهادت بود. تصاویر خونبار، جانگداز، شجاعانه و عبرت انگیزی که رجزهای عاشورایی از پیکار دلیرانه مردان خدا ارائه کرد، برای همیشه شاعران متعهد شیعه را وامدار خود ساخت. تا آنجا که شعر حماسی آیینی و عاشورایی در سخت ترین شرایط از آزار، شکنجه، اسارت و کشتار بی رحمانه ستمگران و غاصبان به حیات خود ادامه داد و در گستره ادبیات عربی، فارسی و ترکی آثار ماندگار و اثرگذار و ارزشمند ادبی را پدید آورد. در رجزهای عاشورایی معیار مفاخره، معرفی نام و نسب خود، ذکر عقاید مذهبی و صفات اخلاقی، حریف طلبیدن، سرزنش حریف و پند و اندرزگویی است. الهامی کرمانشاهی (۱۳۸۹: ۳۲۱) در باب آمدن سید مظلومان به میدان عمر سعد و بیان فرمودن نسب و حسب خود برای آن گروه ظلم آورده است:

سمند سرافراز پرباز کرد	سوی پهنه چون باز، پرواز کرد
بگرفتی اش گر عنان، شاه دین	به زینش همایی، سرش عرش سای ...
چو آمد به نزدیک لشکر فراز	بزد برزمین نیزه ی شست باز
بفرمود کای مردم زشت خوی	زکین، با جهان آفرین جنگجوی
زیزدان چرا روی برکاشتید؟	سوی اهریمن گام بگذاشتید ...
هم اکنون پی کشتن من که هست	پدرم آن شهنشاہ یزدان پرست ...
گناهی مرا نیست اندر جهان	به جز آن که دارم نژاد مهان
همی کرده ام فخرها از نیا	دگراز پدرم آن شه اولیا

از این گفته هرگز نگردم خموش کنون نیز گویم اگر هست گوش
 به از آفرینش نیای من است بس آن باب خیبر گشای من است
 من آن شهریار بلند افسرم که دخت پیامبر بود مادرم
 پدرم آن ظفرمند بدر و حنین ز شمشیرش اسلام را، زیب و زین
 منم یک تن از پنج آل عبا بود قهر و مهرم، سموم و صبا
 بود عمّ من جعفر نامور که دادش خدا از زمرد دو پر...

شاعر در این ابیات به زیبایی از زبان امام حسین علیه السلام به وصف پدر و جدش می پردازد. او اشاره میکند دشمنانش به آن حضرت پشت کردند و به تعبیری از خداوند روی برگرداندند و به دنبال شیطان رهسپار شدند. امام علیه السلام تنها گناه خود را که موجب این مصیبت می شود، تعلق به خاندان امامت و ولایت معرفی می کند. در رابطه با همین موضوع عباسقلی یحیوی (۱۳۸۶: ۱۱۳) به توصیف افرادی همانند شیوخ نهروان پرداخته که در ظاهری مقدس مآب و دیندار و باطنی شیطانی برای ریختن خون امام حسین علیه السلام از یکدیگر سبقت می گیرند و در کربلا حاضر شده اند و امام علیه السلام در برابر این لشکر اشقیای ایستاده و خود را معرفی می کند:

شیوخ نهروان قرآن حمایل آلسی برجسته

سنین نیزه لربنظر زبان افعی مسته

سه شعبه تیرو پیکان جعبه دانلاردا نئچه بسته

قیلیجلار سولانوب قول چیمانوب دامن بئله بسته

امام تولدورمگه الله اکبر گورنه غوغادور

نقاب اعرفونی اتدی وجه الله جمالیندن

اونایینالرسون فایده شمع وصالیندن

یاغاردی درو ابیض لعل و یاقوت اتصالیندن

اولون اگه جماعت سوز حسینون شرح حالیندن

بابام احمد اتام حیدر انام زهرای کبری دور...



شاعر در این اشعار به زیبایی وصفی از جماعت نهروان می‌کند که برای کشتن امام علیه السلام در کمال وقاحت آماده به رکاب هستند و امام علیه السلام اصل و نسب خویش را در مقابل لشکریان عمر سعد بیان کرده و اظهار می‌دارد که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله، پدرم حیدر کرار و مادرم زهرای کبری علیها السلام است.

خرق عادت

«به اعمال خارق العاده‌ای که به دست قهرمان حماسه انجام می‌گیرد یا در جریان داستان اتفاق می‌افتد، خوارق عادت گفته می‌شود. قهرمان حماسه با اعمال فوق العاده خود باعث برانگیختن حس شگفتی و اعجاب خواننده می‌گردد. کارهایی از قبیل کشتن هیولا، دیوان، شیر، اژدها، نبرد طولانی و یک تنه با لشکری انبوه که در حالت عادی از انسان‌های معمولی ساخته نیست» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

فضای *شاهدنامه الهامی*، مذهبی و تاریخی است، با این حال خوارق در برخی موارد دیده شده است. زمانی که سر مطهر امام علیه السلام در تنور خولی قرار دارد، شباهنگام زن خولی، نوری از تنور و مطبخ مشاهده می‌کند که زحیرت بمالید بر دیده دست:

به مطبخ بسی مرغ موینده دید ز خون، سرخ منقار و پرها سپید
از آن نور و مرغان شدند در شگفت شتابان بدان سوی ره برگرفت
زحیرت همی گفت حق را درود به ناگاه آمد ز گردون فرود
یک چیز سبز هودج در آن چارزن سیه پوش چون طره خویشتن
یحیوی در مورد نامیرایی امام حسین علیه السلام و اتفاقات خرق عادت و معجزاتی که پس از شهادت ایشان رخ داد سروده است:

امام نولسیدی باشی نیزه باشینده دانشمزدی

امام نولسیدی قوشلار نعشی اوسته شهپراچمزدی

امام نولسیدی استقباله دیرانی قاچمزدی

امام نولسیدی زیرخیزانداقانی داشمزدی

امام نولسیدی مسلم ایلینمزدی نصاران
 امام نولسیدی قانلوگوزلرین طشتده آچانمازدی
 کسوک باشی قولی باغلوعیالینه باخانمازدی
 امام نولسیدی راه شامیده باشی دایانمازدی
 امام نولسیدی باشیزپیکری نیم خیزاولانمازدی
 دئیوب اذان، صداسی دولدورانمازدی بیابانی
 و دربارہ قدرت طی الارض داشتن چهارده معصوم سروده است:
 فلزالاتیلہ تشکیل وئریب بیرهیکل پردار
 غذاسی بنزو اکسیژن رطوبت اتشه همکار
 بشرعلمیله اون تن آهنی یئردن گوپه قوزار
 فضای شرق و غربه مختصروقتہ اولور سیار
 بو طی الارض مادیلن گزر اطراف دنیانی
 بو بیرمادی عوالمدور بشرده وار بئله صنعت
 ولیکن اهل معناده وار اول اندازه ده قدرت
 گئدر بیرآز زاماندا عرش اعلايه ائدر رجعت
 بو علمی چارده معصومه الله وئروب خلعت
 بولادور معنویتده جهان پیمای روحانی
 (یحیی، ۱۳۸۶: ۲۵)

اغراق و مبالغه

«اغراق در سایر انواع ادبی نیز وجود دارد اما در حماسه یک ویژگی اصلی است و از ذاتیات آن محسوب می‌شود و نه به عنوان یک صنعت بدیعی. حماسه با اعمال محیرالعقول و خارق العاده همراه است و در آن سخن از بهادری‌ها و جنگ‌های غریبی است. بدیهی است که بیان چنین وقایعی، خود به خود با اغراق و غلو همراه خواهد بود» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۲۰). «در حماسه اغراق شاعرانه جای همه انواع تصویر را می‌گیرد زیرا

تشبیه و استعاره حادثه را محدود و کوچک می‌نماید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۴۴۷). الهامی کرمانشاهی اغراق و مبالغه را بیش از سایر صناعات ادبی در شعرش به کار برده و با این کار ارزش حماسی سروده خود را افزایش داده است. نکته قابل توجه این است که این اغراق‌ها ادعایی و نامناسب نیستند و در روند طبیعی زبان داستان پیش می‌روند و اغلب هنری هستند.

نگهبان و جاسوس برشه گماشت به عیوب، منجوق کین برافراشت
(الهامی کرمانشاهی، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

زرخ سودنش بررکاب هیون رکاب آهنین بود، شد سیمگون
(همان، ۳۶۵)

بدانسان به گشتند برگرد هم که گاوزمین را به شد پشت، خم
(همان، ۳۱۸)

به ناگه برآمد غوبوق و کوس بشد گرد تا گنبد آبنوس
(همان، ۴۲۸)

نمونه هایی از اغراق در اشعار یحییوی اردبیلی:

فرصت ال وئریب اوخ اتانلارا دورت مین اوخ قویولدی چله کمانه
(یحییوی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

در این شعر، نوعی مبالغه در تعداد تیرهایی که داخل کمان گذاشته شده است، دیده می‌شود. در شعر زیر نیز شمشیر خود را در گلوی حرف صیقل دادن، نوعی اغراق است:

ایام رستم یل یل تماشایه اوزون گـ
نجه گـور او اوزون ال حریفون بوغازیندا وئیر تیغینه صیقل
(همان، ۳۴۰)

شعر زیر اشاره اغراق آمیز به تعدد ادوات جنگی که در نهایت از برق خیره کننده شمشیر پروانه، جذب می‌شود، دارد:

ال گئدوب نیزه لره رسم نبردیله ازل

اون ایکی طعن ارادا نیزه اولوب رد و بدل

خنجر و شش پرو زوبین و کمند اولدی عمل

بومعمای جدل اولمادی هئچ وجهیله حل

نوبه شمشیره یتوب برقینه پروانه گلیب

(همان، ۳۴۱)

نتیجه

شاهنامه فردوسی یکی از منابع ارزشمند زبان فارسی و آینه تمام نمای عناصر حماسی ایران است که می‌توان سیطره آن را در تمام آثار حماسی بعد از خود با شدت و ضعف به وضوح مشاهده کرد. تأثیر جذابیت‌های اخلاقی و دینی موجود در شاهنامه موجب شده است که گروهی از سخنوران به جنگ‌ها و اتفاقات مذهبی توجه کنند و داستان‌های حماسی با مضامین دینی بسرایند. یکی از منظومه‌های حماسی-مذهبی اواخر دوره قاجار شاهد نامه (چهار خیابان فردوس) سروده الهامی کرمانشاهی است. این منظومه با قرائت حماسی از واقعه عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام با تقلید از شاهنامه فردوسی به سبکی فاخر سروده شده است. عباسقلی یحیوی حماسه سرای نامدار آذربایجان نیز علاوه برداشتن سبک خاص به لحاظ نوآوری و ایجاد تحول بنیادین در سوگ نامه پردازی و حماسه سرایی، سرآمد روزگار و پایه‌گذار مکتب شعری ویژه‌ای است. به طوری که بسیاری از سخنوران و سوگ چامه پردازان اهل بیت علیهم السلام در مناطق ترک نشین، از شیوه سخن آرای وی پیروی می‌کنند. اوزان حماسی و رجزگونه و سریع، تصویر دقیق صحنه‌های جنگ و چهره‌های جنگجویان، نشان دادن ابزارآلات جنگی (شعر نمایشی و دراماتیک)، شگردی نو در قالبی جدید (بحر طویل‌هایی که اوزان حماسی دارند)، حماسه سرایی همراه با سوزناکی کلام، به کارگیری ردیف‌های مشکل در جهت افزایش بار حماسی، منظره پردازی و تابلو آفرینی‌های منحصر به فرد، مواردی است که با بررسی آثار یحیوی به دست می‌آید. هر دو شاعر مورد نظر در این پژوهش، در زمینه رعایت عناصر و مختصات حماسی نظیر توصیف ظاهری و روحی قهرمانان، فضا سازی در سرآغاز داستان‌ها و نبردها، به کاربردن صور خیال حماسی، تعامل حکیمانه و پند و اندرز



در میان داستان‌ها، نفرین‌ها و آفرین‌ها با صبغه دینی و مذهبی در توصیف قهرمانان اهل بیت علیهم‌السلام اشتراکاتی دارند. ایشان علاوه بر نیروی بدنی، تایید الهی و ایمان قوی را نیز به نحو بسیار چشمگیر و زیبا به تصویر کشیده‌اند و اعمال خارق عادت بردست ایشان را، نتیجه قدرت روحی آنان می‌دانند. در بیان اغراق و مبالغه، پیشگویی‌ها و دیگر عناصر حماسی از جمله مفاخره‌ها، رجزخوانی‌ها و مانند اینها، جانب اعتدال، عقلانیت و حقیقت‌نمایی را مراعات کرده‌اند و کارهای بزرگ سیدالشهدا علیه‌السلام و دیگر شهیدان روز عاشورا را نتیجه حکمت بالغه الهی می‌دانند. از افتراقات برجسته در اشعار حماسی - مذهبی این دوشاعر، می‌توان تقلید الهامی از شاهنامه فردوسی با شدت بیشتر و الگوبرداری یحیوی اردبیلی از همان منبع را البته به اندازه ضعیف، ذکر کرد. منظومه‌های حماسی معمولاً به جهت داستان‌وارگی، تعداد ابیات آنها بسیار طولانی است همچون *شاهدنامه*، اما در ژانرنوحه معمولاً اشعار طویل وجود ندارد، لیکن می‌توان هر کدام از شعرهای کوتاه یک مجموعه را در قالب یک منظومه حماسی به جهت دارا بودن مختصات حماسی در نظر گرفت، مانند اشعار یحیوی چراکه عناصر سازنده حماسه در این گونه اشعار موجود است.

منابع

- الهامی کرمانشاهی، احمد (۱۳۸۹)، *شاهدنامه*، تهران، منیر.
- بیات، علی (۱۳۸۱)، «قیام عاشورا: بایدها و پیامدها»، حوزه و دانشگاه، شماره ۳۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *صورخیال در شعر فارسی*، تهران، آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، *نقد ادبی*، تهران، میترا.
- صالحی، پ. و س سهیلی گیلان (۱۳۹۵)، «عاشورا و امام حسین علیه‌السلام در اشعار شاعران فارسی و عربی معاصر»، آیت بوستان (پژوهش نامه معارف حسینی)، (۲)۱، ۱۲۳-۱۵۱.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۹۰)، *حماسه سرایی در ایران*، تهران، فردوس.
- فرید، زهرا و ریحانه ملازاده (۱۳۹۶)، «بررسی تصویرهای هنری در شعر عاشورایی

- شریف رضی (مطالعه مورد پژوهانه: قصیده کربلا)، فصلنامه مطالعات ادبی متون
اسلامی 2(8), 61-89. doi: 10.22081/jrla.2018.47269.1120
- محدثی، جواد (۱۳۸۴)، «شعر عاشورایی»، فرهنگ کوثر، شماره ۶۱.
- یحیوی، عباسقلی (۱۳۸۶)، اسرار عاشورا، تهران، پیری.
- _____ (۱۳۹۵)، بساط کربلا، تهران، پیری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۴۰۱